

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

AL-MONITOR

السودانی می‌ماند؟

اتلاف «محمدشیاع السودانی» نخست‌وزیر، در انتخابات ملی هفته گذشته ۴۶ کرسی به‌دست آورد - بیش از هر گروه دیگری - اما این تعداد فاصله زیادی با اکثریت لازم در مجلس ۳۲۹ نفره عراق دارد. همین موضوع زمینه‌ساز روندی طولانی‌برای تشکیل ائتلاف و ایجاد دولت جدید خواهد بود. السودانی خود را رهبری معرفی می‌کند که بهترین توانایی را برای مدیریت هم‌زمان روابط بغداد با واشنگتن و تهران دارد؛ روابطی که از زمان سرنگونی دیکتاتور دیرین عراق، «صدام حسین»، در پی تهاجم آمریکا در ۲۰۰۳، دائماً محل رقابت بوده است. السودانی از زمان به‌قدرت رسیدن تلاش کرده با فساد گسترده دولتی مقابله کند و به‌دلیل کمک به دور نگه‌داشتن عراق از آشوب‌های منطقه پس از حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل، مورد تقدیر قرار گرفته است اما این نخست‌وزیر ۵۵ ساله، که در سال ۲۰۲۲ با حمایت گروه‌های نزدیک به ایران به قدرت رسید، اکنون در مسیر دستیابی به دوره دوم با مخالفت‌های جدی روبه‌رو است. «ویکتوریا تیلور»، معاون سابق دستیار وزیر خارجه دولت بایدن در امور عراق و ایران - و اکنون مدیر ابتکار عراق در شورای آتلانتیک - گفته است بسیاری از رهبران در چارچوب هماهنگی (CF) خواهان انتخاب نخست‌وزیری هستند که جاه‌طلبی سیاسی مستقل نداشته باشد و خواسته‌های CF را اجرا کند. تیلور گفت: «یک بحث بزرگ وجود دارد درباره اینکه رهبری سیاسی شیعه چه نوع نخست‌وزیری می‌خواهد انتخاب کند.» او افزود: «هر کسی که انتخاب شود، نظام سیاسی عراق دقت خواهد کرد فردی را برگزیند که بتواند رابطه با ایالات متحده و ایران را به‌طور مؤثر مدیریت کند.» دولت ترامپ روشن کرده است که انتظار دارد دولت آینده عراق نیروهای مسلحی را که از ایران کمک مالی و نظامی دریافت می‌کنند، خلع سلاح کند. «مارک ساوالا»، فرستاده جدید ترامپ به عراق، در بیانیه اخیر گفت: «هیچ جایگاهی برای گروه‌های مسلحی که خارج از اختیار دولت فعالیت می‌کنند وجود ندارد.» اوایل همین ماه، السودانی اعلام کرده بود عراق تنها هنگامی می‌تواند برای خلع سلاح این گروه‌ها اقدام کند که نیروهای آمریکایی کشور را ترک کنند. سال گذشته، السودانی برای آرام کردن تهران و متحدان عراقی‌اش، توافق با دولت بایدن برای کاهش مأموریت ائتلاف نظامی تحت‌رهبری آمریکا در عراق به‌دست آورد. از آن زمان، نیروهای آمریکایی به اربیل در اقلیم کردستان منتقل شده‌اند، اما السودانی ماه گذشته به خبرنگاران گفت انتظار می‌رود یک گروه کوچک از مستشاران نظامی آمریکا همچنان در عراق فدرال باقی بمانند. ایران نفوذ نظامی خود در عراق را از طریق «الحشد الشعبی» اعمال می‌کند؛ ائتلافی از نیروهای شبه‌نظامی شیعه، که برخی از آن‌ها روابط مستقیم با ایران دارند؛ این نیروها برای مبارزه با داعش تشکیل شدند و در سال ۲۰۱۶ رسماً بخشی از نیروهای دولتی عراق شدند. افزون بر این، احزاب سیاسی وابسته به این گروه‌ها نیز نفوذ تهران را تقویت کرده‌اند. بسیاری از این احزاب در چارچوب هماهنگی قرار دارند که السودانی را در سال ۲۰۲۲ به قدرت رساند و اکنون چندین وزارتخانه را کنترل می‌کنند. تعداد و بودجه الحشد الشعبی در دوران السودانی به‌طور چشمگیری افزایش یافته و از حدود ۱۲۲ هزار نفر به ۲۲۸ هزار نفر رسیده است. این گسترش در زمانی اتفاق می‌افتد که عراق برای ایران، پس از مجموعه‌ای از شکست‌های منطقه‌ای - از جمله جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در ماه ژوئن، سقوط متحد ایرانی‌اش بشار اسدر سوریه، و تضعیف گروه‌های نیابتی تهران مانند حزب‌الله و حماس - به شریان حیاتی اقتصادی و سپر راهبردی تبدیل شده است. دولت ترامپ با تعیین گروه‌های جدید به‌عنوان سازمان‌های تروریستی و اعمال تحریم‌های اقتصادی بر شبه‌نظامیان نزدیک به ایران که طی سال‌های اخیر متهم به حمله به پایگاه‌های میزبان نیروهای آمریکایی و ائتلاف بوده‌اند، فشار بر تهران را افزایش داده است. این دولت همچنین به بغداد فشار آورده تا لایحه‌ای را کنار بگذارد که «مارکو روبیو»، وزیر خارجه آمریکا، هشدار داده بود با دامنی کردن وضعیت حقوقی حشد الشعبی و ارتقای فرمانده آن «فالح الفیاض» به سطح وزیر، «نفوذ ایران را نهاده‌یوه می‌کند.»

دیپلماسی

DIPLOMACY



هم‌زیستی یا رقابت؟

تأثیر نتیجه انتخابات عراق در دینامیک روابط ایران و آمریکا

AP-نگار



الکس وطن‌خواه

مدیر برنامه خاورمیانه

واشنگتن بار دیگر برای محدود کردن فضای متحدین مسلح ایران، به شدت به بغداد تکیه می‌کند و تحریم‌ها و فهرست‌های تروریستی جدید را با یک رویکرد دیپلماتیک تندتر که خواستار خلع سلاح گروه‌های شبه‌نظامی غیردولتی فعال در خارج از حوزه اختیارات دولت عراق است، ترکیب می‌کند. پیام ایالات متحده این است که ثبات پس از جنگ، سرمایه‌گذاری آمریکا، همکاری در حوزه انرژی و دسترسی به دلار، همگی به تمایل عراق برای مهار قدرتمندترین جناح‌های همسو با ایران بستگی دارد. با این حال، کمپین فشار آمریکا بر عراق علیه شرکت‌های ایالات متحده که آمریکا را به اقتصاد عراق گره می‌زند، عمل می‌کند. شرکت‌های بزرگ انرژی ایالات متحده، موقعیت‌های بالادستی خود را گسترش داده‌اند و قراردادهای گاز طبیعی و گاز مایع (LNG) با عراق امضا کرده‌اند که هدف این قراردادها کاهش کمبدهای مزمن برق عراق و همچنین کاهش وابستگی عراق به واردات انرژی از ایران است. درآمدهای نفتی عراق هنوز از طریق سیستم فدرال رزرو ایالات متحده، که ابزاری برای فشار بر عراق است و به‌عنوان کانالی که واشنگتن از آن به عنوان سلاح برای بی‌ثبات کردن دولتی در بغداد که هنوز برای همکاری ضد تروریسم و مدیریت منطقه‌ای به آمریکا نیاز دارد، استفاده می‌کند. نتیجه این رویکرد، سیاستی است که تهدیدها را با مشوق‌ها ترکیب می‌کند، و در عین حال تلاش می‌کند بازارهای جهانی انرژی را ترساند یا شرکت‌های آمریکایی را در عراق تضعیف نکند. این اقدام متعادل کننده با توجه به اینکه پارلمان بعدی بغداد با ترکیب و جایگاه جدید حشد الشعبی مواجه است، با چالش‌های جدیدی روبه‌رو است. حالا عرصه‌ای ایجاد شده که در آن رقابت ایالات متحده و ایران در عراق، تشدید خواهد شد.



یادداشت سردبیر

چه سیاست خارجی که بدون خروج از انزوا، پیوستن به اقتصاد جهانی، رفع تحریم‌ها و جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی نمی‌توان انتظار بهبود وضعیت اقتصادی را داشت و چه سیاست داخلی که با تداوم روند حامی‌پروری و خالص‌سازی، نمی‌توان انتظار حل مسائل دولت و بنیادهای اقتصادی را داشت و به ابربحران‌هایی چون کسری بودجه، ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، ناترازی بانک‌ها، فقدان شفافیت اقتصادی، رانت‌جویی و حتی بحران‌های آب و محیط‌زیست پایان داد. در آن دیدار به وزیر جدید اقتصاد یادآور شدم که دلیل اصلی استیضاح و برکناری وزیر سابق (عبدالنصر همتی) این بود که در قبال این مسئله اصلی، نه فقط ساکت و منفعل نبود؛ بلکه حتی در روز استیضاح، از تأکید و پافشاری بر این رویکرد که مسئله اصلی اقتصاد و به‌ویژه نرخ ارز و طلا، سیاسی (و به‌ویژه سیاست خارجی و تحریم‌ها) است، دست نکشید و البته، هزینه آن را هم پرداخت. در کنار این رویکرد اصولی، البته رویکردی نمایشی هم می‌توان به اقتصاد داشت. مشابه رویکرد دولت‌های احمدی‌نژاد و دولت سیزدهم و یا گفتارهای رئیس کنونی مجلس که خواستند و می‌خواهند مسئله واقعی اقتصاد را زیر سایه اقدامات نمایشی پنهان کنند و در واقع، بیراهه‌هایی را به جای راه بنشانند و زوایای رنگ‌شده را جای قناری به خلق الله بفرشند. پول‌پاشی‌های احمدی‌نژادی، فعال کردن کارخانجات تعطیل شده و با راه انداختن سامانه‌ها در دولت قبل و با تأکید و پافشاری بر کالابریگ الکترونیکی یا فعالیت جهادی از سوی رئیس مجلس کنونی، نمونه‌هایی باز از این رویکرد نمایشی است؛ رویکردی که متأسفانه بخش‌هایی از دولت چهاردهم نیز با آن همراه شده‌اند و به‌ویژه پس از برکناری همتی، برای بقای خود بر کرسی‌های وزارت و نجات دادن گریبان خود از دست تندروها و بی‌پولیست‌های پارلمانی،

▼ اثر نتیجه انتخابات عراق بر منافع ایران

از نظر ایران، عراق هم عمق استراتژیک، هم پناهگاه سیاسی و شاه‌رگ اقتصادی است. نتایج انتخابات ۱۱ نوامبر عراق رقابت‌های ائتلافی پس از آن، تعیین خواهد کرد که چه کسی در بغداد اهرم‌های مربوط به تعیین بودجه، انتصابات امنیت داخلی و کمیته‌هایی را که می‌توانند استقلال حشد الشعبی تحت حمایت ایران را تدوین یا محدود کنند، کنترل می‌کند. این ائتلاف‌ها همچنین تعیین خواهند کرد که آیا نخست‌وزیری ظهور خواهد کرد که بتواند واشنگتن را بدون از دست دادن چارچوب هماهنگی شیعه، به عنوان یک بلوک فراگیر از احزاب شیعه عراقی که تا حدودی مورد حمایت تهران هستند اما در مخالفت با جنبش روحانی شیعه با نفوذ مقتدی صدر متحد هستند، مدیریت کند یا خیر. در نهایت، در ادامه مشخص خواهد شد که آیا بلوک‌های سنی و کرد می‌توانند تحریم انتخابات توسط صدها هزار به‌اهرم فشار بیشتری برای خود در تشکیل دولت تبدیل کنند یا خیر. تهران خواستار تشکیل کابینه‌ای تحت سلطه شیعیان خواهد بود، اما مطمئناً نخست‌وزیر شیعه‌ای که به واشنگتن و پایتخت‌های خلیج فارس یا حتی آنکارا نزدیک باشد، تحمل خواهد کرد. در واقع، چنین دولت عراقی دوستدار واشنگتن و کشورهای خلیج فارس حتی ممکن است برای تهران از حیثیت داشته باشد، زیرا می‌تواند به عنوان پلی بین ایران و ایالات متحده و جهان عرب عمل کند. با این حال، طرف ایرانی انتظار دارد که بغداد خطوط قرمز خاصی را رعایت کند. این خطوط عبارتند از عدم خلع سلاح کامل جناح‌های اصلی طرفدار ایران، عدم اجرای خصمانه سیاست تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران و عدم باز گذاشتن در برای اقدامات نظامی و امنیتی اسرائیل یا ایالات متحده از طریق خاک عراق علیه ایران. محاسبات انتخاباتی پیرامون قراردادهای دولتی و دسترسی به ارز دلار آمریکا نیز به همان اندازه برای ایران مهم خواهد بود. اقتصاد آسیب‌دیده از تحریم‌های ایران به تجارت، کانال‌های بانکی و مسیرهای تدارکاتی قانونی و غیرقانونی عراق متکی است. پارلمانی

در عراق که تحت فشار ایالات متحده به نظارت بر این مجاری تمایل داشته باشد، فشار بر ایران را تشدید می‌کند اما در مقابل پارلمانی که به عبور از این موانع راضی باشد، شریان‌های اقتصادی ایران را باز نگه می‌دارد. بنابراین، محاسبات تهران، ایدئولوژی را با عمل‌گرایی ترکیب می‌کند. این محاسبات عبارتند از حفظ بازدارندگی و شبکه متحدان و نایبان عرب خود از یک سو و در عین حال تنوع بخشیدن به شرکای سیاسی خود و کاهش حضور خطرناک‌ترین بازیگران از جناح مقابل. هدف اصلی ایران در این اقدام متعادل کننده، حفظ سیستم تنفس و در عین حال جلوگیری از یک نبرد بزرگ آشکار با آمریکایی‌ها در خاک عراق است، زیرا ایران هنوز در میانه روند بهمودی از ضربات زیادی است که از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به این کشور و نایبان منطقه‌ای آن وارد شده است. نتایج انتخابات عراق نشان می‌دهد که ائتلاف بازسازی و توسعه به‌رهبری نخست‌وزیر محمدشیاع السودانی، بیشترین سهم کرسی‌ها - ۴۶ از ۳۲۹ - را در انتخابات پارلمانی عراق به دست آورده است. اما کسب اکثریت آن‌ها آغاز کار است. تشکیل دولت ممکن است ماه‌ها طول بکشد، زیرا بلوک‌های رقیب در میانه تنش‌های ایران و آمریکا و اختلافات طولانی مدت میان این دو کشور بر سر نقش شبه‌نظامیان متحد ایران در عراق، در حال مذاکره برای تشکیل ائتلاف هستند. به‌طور خلاصه، انتخابات عراق برنده رقابت ایران و آمریکا بر سر عراق را مشخص نخواهد کرد، بلکه قوانین فصل بعدی رقابت میان این دو کشور را تعیین خواهد کرد. اگر نتیجه انتخابات در نهایت به تشکیل یک ائتلاف حاکم مؤلف منجر شود، نتیجه نهایی بیشتر کاغذبازی است تا آتش‌بازی. بیشتر رقص بوروکراتیک است تا اصلاحات جسورانه، و هیچ تغییر اساسی در اتحاد استراتژیک عراق وجود نخواهد داشت.

▼ هم‌زیستی واشنگتن و تهران در عراق؟

هم‌زیستی آمریکا و ایران در عراق امکان‌پذیر است زیرا هر سه طرف اصلی در این دینامیک - بغداد، واشنگتن و تهران - بیش

در برابر این رویکرد ایدئولوژیک و رادیکال، می‌توان رویکردی واقع‌گرایانه به اقتصاد داشت و به جای دامن زدن به توهمات و معرفی تصورات به جای برنامه و سیاست اقتصادی، رویکردی متکی و مبتنی بر توسعه را در پیش نهاد. البته، در شرایط کنونی کشور که چشم‌انداز روشنی برای حل مسائل خارجی و رفع تحریم‌های (دست‌کم در کوتاه‌مدت) دیده نمی‌شود؛ سخن گفتن از توسعه و طرح انتظار با گشتن به شرایط پیش از ۱۳۸۴ و یا دوران کوتاه دوساله برجام، معنایی ندارد و نوعی دیگر از توهم را به اقتصاد تحمیل می‌کند. از این‌روست که انتظار می‌رود دولت و نیز منتقدان، تداوم روند رشد تورم و کمبود منابع برای سرمایه‌گذاری را تا اطلاع ثانوی به‌عنوان پارامتری واقعی و ناگزیر ببینزند و با پذیرش این واقعیت، پیشنهاد دهند و نسخه بپیچند. اگر این رویکرد واقع‌گرایانه حاکم شود، انتظار می‌رود دولت به جای وعده‌های بی‌پایه‌و‌و‌اساس برای کنترل تورم یا تکرار بیراهه‌هایی از قبیل قیمت‌گذاری دستوری و ارز چندنرخ و بر خوردهای تنظیم بازار (و در واقع: «تعطیل بازار»)، در پی یافتن راهی و ابزاری باشد که با تکیه بر آن بتوان اولاً، درآمد بخش گسترده‌ای از مردم را دست‌کم به میزان نرخ تورم افزایش داد و دغدغه از بر یاد رفتن سرمایه‌های کوچک آنان را کاست و ثانیاً، بخشی از سرمایه لازم برای تداوم فعالیت صنایع و بنگاه‌های اقتصادی را در شرایط محدودیت شدید منابع را تأمین کرد و از این طریق، خطر گسترش بیکاری و بحران‌های اجتماعی ناشی از آن را کم کرد. به نظر می‌رسد بازار سرمایه، مهمترین ابزار دولت برای پیشبرد چنین رویکردی است؛ بازاری شفاف با ذینفعانی گسترده که با کمترین سرمایه نیز می‌توان به آن وارد شد و بدین ترتیب، طبقات متوسط و حتی محروم را نیز در فرآیند کلان اقتصادی کشور همراه و به‌هم‌دند ساخت. این رویکردی بود که دولت روحانی نیز در سال‌های آخر دولت خود و در شرایطی که اقتصاد کشور